

زینب در دامان پیامبر و امام علی و فاطمه و حسن (علیهم السلام) گریه کرد و وقتی در بغل امام حسین چهارساله قرار گرفت، آرام شد؛ پیامبر صلی الله وعلیه وآله آن جا فرمودند: «این دختر همراه با این پسر خواهد بود» و شرط ازدواج و مهریه اش با عبدالله بن جعفر، نیز همراهی با حسین علیه السلام بوده و این که از او جدا نشود. خدا خواسته؛ یعنی خدا برای حفظ دین با اسباب و ابزار کار می کند. این خدایی که حسین علیه السلام را خلق کرد، یک زینبی را هم کنارش می گذارد.

یکی از فضایل حوزه کتابی نوشته درباره صدیقه کبری که در آن کتاب، جمله قشنگی وجود دارد؛ می گوید: در حرکت و قیام انبیا، هر کدام که یک زن همراهشان بوده است، موفق بوده اند. من استنباط می کنم هر نهضت و قیامی که زنان شجاعی در کنار مردان بوده اند، آن انقلاب، شدنی و باقی ماندنی است و انقلاب ما هم این مسئله را به وضوح نشان داد.

زنان بزرگ تاریخ اسلام، جایگاه ویژه ای نزد اهل بیت علیهم السلام دارند.

مرحوم شیخ بهائی می نویسد: دختر امیر مؤمنان علیه السلام متولد شد. حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها دختر را در دامن علی علیه السلام گذاشت و گفت: نام این نوزاد را بگذار. امیرمؤمنان علیه السلام فرمودند: «والله من در نام گذاری فرزندانم بر رسول خدا صلی الله علیه و آله پیشی نمی گیرم»؛ پیغمبر در سفر بودند، دو روز بعد که آمدند، حضرت زهرا سلام الله علیها بچه را به بابا دادند؛ آن گاه پیغمبر فرمودند: «والله در نام گذاری خودت و بچه هایت بر خدا پیشی نگرفتم.» جبرئیل وارد شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله لحظاتی با جبرئیل مشغول سخن شد و بعد از چندی پیغمبر صلی الله علیه و آله به فاطمه و علی علیه السلام رو کرده و گریه شدیدی نمودند و بعد چندین بار تکبیر گفتند. حضرت فاطمه سلام الله علیها می فرمایند: «به پدرم گفتم: بابا چرا تکبیر می گویی؟» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «به خاطر نامی که خدا برای این دختر قرار داد»؛ و گفتند: «زین اب»، که بر اثر کثرت استعمال به «زینب» معروف شد.



ای پرچه کربلا به دوشه ، زینب
قربان تو و خشم و خروش زینب

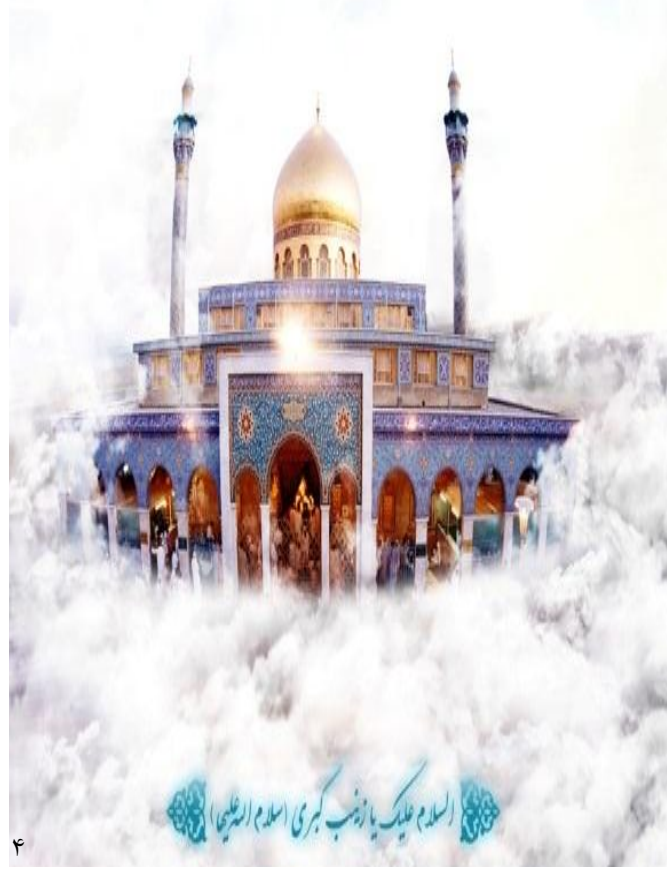
تا موی سره ، سپید شد از خم دوشه
شد کعبه ی دل ، سیاه پوشه زینب



کتابخانه علمی و فرهنگی

شخصیت حضرت زینب سلام الله علیها، مثل حضرت زهرا در تاریخ آمده است: حضرت زهرا .سلام الله علیها است سلام الله علیها در مدینه، برای رهبر و امامش جان فشانی کرد و در دفاع از حق مولا، آن خطابه ها را داشت؛ حضرت زینب نیز در کوفه و شام این گونه سخن می گفت؛ گو این که حضرت علی علیه السلام لب به سخن گشوده است. مصیبت های حضرت در حالی است که این ها مختار بودند، اما به مشیت الهی راضی بودند.

در خطبه ای که حضرت زینب سلام الله علیها در دروازه کوفه بیان کردند، کار به جایی رسید که حضرت سجاد علیه ببینید یک .السلام برای عمه شان احساس خطر کردند وقت کسی را به جایی دعوت می کنند، که همه چیز برای او آماده است، اما یک وقت زینب در جایی سخن می گوید که کوفیان لباس نو پوشیده، شهر را چراغانی کرده و آمده اند به هم تبریک بگویند، نه این که سخنرانی یک زن کتک خورده را بشنوند. بعد حضرت با توجه به چنین فضا و شرایطی سخنرانی می کند، که در همان جا چنان تحولی بر مردم کوفه عارض شد که حتی نزدیک بود بر ابن زیاد بشورند و حضرت سجاد علیه السلام در آن جا، در حالی که بر جان عمه اش می ترسید، فرمود: «عَمَّتِي زَيْنَبُ اَنْتِ بِحَمْدِ اللَّهِ عَالِمَةٌ غَيْرُ مُعَلِّمَةٍ وَ فَهْمَةٌ غَيْرُ مُفَهِّمَةٍ».



حضرت زینب در زمان خلافت امیرمؤمنان در کوفه برای خانم ها کلاس درس و احکام دینی می گذاشتند. حضرت امیر علیه السلام برای حضرت زینب، احترام بسیاری قائل بودند؛ وقتی اهل بیت علیهم السلام می خواستند به زیارت مرقد پیامبر صلی الله علیه وآله بروند، امام علی علیه السلام جلوتر می رفتند، تا راه را باز کنند و حسنین علیهم السلام اطراف حضرت زینب سلام الله علیها را می گرفتند و امیرمؤمنان قندیل هایی که در حرم پیامبر صلی الله علیه وآله روشن بود را خاموش می کردند تا کسی قد و قامت حضرت زینب سلام الله علیها را مشاهده نکند. آن وقت با این همه جلال و عظمت، شما ببینید حضرت در کربلا چه مصائبی را تحمل کردند!

حضرت زینب برای زنان تفسیر قرآن می گفتند امیرالمؤمنین علیه السلام هم بعضی تفاسیر را گوش می کردند؛ مثلاً در تاریخ آمده که حضرت زینب سلام الله علیها «قرآن را تفسیر می کردند، تا رسیدند به آیه «کههیعیص حضرت آیه مذکور را این گونه تفسیر کردند: کاف یعنی کربلا، «ها» یعنی هلاکت، «یا» یعنی یزید، «عین» یعنی عترت و «صاد» یعنی صبر؛ یعنی زینب کبری به زن های کوفه خط می دادند. در این جا امیرالمؤمنین علیه السلام صورت زینب را بوسیده و فرمودند: «حق آیه را ادا کردی»

منبع:

<https://hawzah.net/fa/Magazine/View/6435/7171/8>

7558/